

نظارت بر حسابرسی شرکت‌های دولتی در ایران چه اشکالاتی دارد؟

نظارت خودی!



غلامحسین دوانی
حسابدار رسمی

خدمات عمومی در همه جای دنیا مشمول نظارت خاص هستند؛ زیرا این خدمات عموما به جان، مال و یا حقوق شهروندان مرتبط بوده و در حقوق شهروندی مرسوم به «منافع عمومی» هستند. بنابراین ارائه‌ندگان خدمات حرفه‌ای نظیر پزشکان، حسابرسان و وکلا تحت نظارت‌های خاصی قرار دارند. هم‌زمان با توسعه مدرنیته و تغییر وضعیت مدرنیته از رعیت به شهروند، پدیده «شهروند» و متعاقب آن حقوق شهروندی ایجاد شده است. نظارت حرفه‌ای در واقع منبعث از حقوق شهروندی در قالب «منافع عمومی» است. البته نظام سرمایه‌داری که خود در آغاز با شعار «حقوق مساوی شهروندان» و رقابت بازار تولد یافت، در فرایند توسعه عملا به نظام انحصاری و متمرولی تبدیل شد که نظارت بر بازار را عملا حذف کرد و مدعی نظارت دست نامرئی (دست غیب) بر سازوکار سرمایه و جامعه اقتصادمحور شد.

تولد حرفه حسابداری نوین در پرتو اولین تشعشع سرمایه‌داری در قرن پانزدهم به بعد سرانجام در سال‌های ۱۸۵۰ به بعد در قالب مؤسسات حسابداری و حسابرسی در چارچوب شاخصه «سرمایه‌داری- حرفه- بورس» نضج گرفت و به تدریج پس از فراز و فرودهای متعدد، مشابه نظام سرمایه‌داری، به انحصار حرفه در دست چهار مؤسسه بزرگ بین‌المللی موسوم به بیگ فور «Big Four» درآمد که تقریباً ۷۰ درصد بازار حرفه حسابداری و حسابرسی جهان را در اختیار دارند. تا قبل از تصویب قانون بورس آمریکا در سال ۱۹۳۴، به دلیل قدمت و تقدم حرفه بر بورس، عملا حرفه حسابداری نیز همچون حرفه‌های پزشکی و وکالت، خودانتظام و درون‌انظمایی بود. علی‌رغم آنکه در قانون بورس آمریکا به‌صراحت موضوع نظارت بر حرفه و تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی به سازمان بورس واگذار شده بود، اما به دلیل تقدم تشکیل حرفه بر بورس و نتیجه‌بخش بودن خودانتظامی در قالب رقابت حرفه‌ای منبعث از رقابت سرمایه، سازمان بورس آمریکا به‌صورت ناخواسته این اختیار خود را به حرفه واگذار کرده بود؛ از سال‌های ۱۹۸۰ به بعد، موضوع خودنظارتی حرفه در همه حرف مورد تردید قرار گرفته بود و به‌خصوص در حرفه حسابرسی مباحث نوینی همچون کنترل‌های داخلی، حسابرسی داخلی، تعیین وضعیت مدیران غیر جرانی و مباحثی در گزارش‌گیری حسابرسی مورد مناقشه جدی قرار گرفته بود تا اینکه فاجعه انرون (تقلب در یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های بخش انرژی بورس آمریکا) توهمات «دست نامرئی» را بر هم زد و موضوع نظارت بر حرفه حسابرسی در شرکت‌های بورسی که با منافع عمومی پیوند داشتند، مطرح و سرانجام نهاد ناظر مستقل برون حرفه‌ای به نام «هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام بورسی» با اختیارات حاکمیتی فراوان متولد شد. در همین رابطه از سال ۲۰۰۴ هم در اتحادیه اروپا همین موضوع در قالب مفهومی جدید به نام «حاکمیت شرکتی» و سپس نهاد ناظر و هم‌زمان در انگلستان شورای گزارش‌گری مالی، تقریباً در همان محدوده وظایف نهاد ناظر آمریکایی، با شدت و ضعف بیشتر یا کمتری به وجود آمدند و جهان سرمایه‌داری و عقلای آنها به این رهنمون پیوستند که «دست نامرئی» در واقع دست مرئی قدرت‌مداران و بزرگ‌شرکت‌های بین‌المللی هستند که نه‌تنها رقابت را به انحصار تبدیل کرده‌اند، بلکه ساختار جوامع «دولت- ملت» به ساختاری به نام «دولت‌های شرکتی» تغییر یافته و عملا شرکت‌های فراملیتی ناظر، فعال و عامل در کشورها، حتی مسائل زیست‌محیطی را هم نظیر تن و جان مردم، به کالا تبدیل کرده‌اند.

بازگردیم به کشور خودمان!

حسابداری به مفهوم واقعی ان مقوله‌ای وارداتی توسط شرکت ایران- انگلیس یا همان شعبه British East India در ایران از طریق لایابشکاه و تأسیسات نفتی بوده است. اگرچه ما می‌توانیم ادعا کنیم حسابداری هم‌راذ بشریت و به‌خصوص از دوره بعد کمون اولیه، «نظارت مالی بر

خبر ویژه

در حاشیه نمایشگاه خدمات شهری اصفهان

مدیرعامل گروه بهمن: تکریم مشتری اولویت اصلی ما در بهمن است



بیوک علیمرادلو، مدیرعامل شرکت بهمن، در نشست خبری یازدهمین نمایشگاه جامع مدیریت شهری و پنجمین نمایشگاه تخصصی حمل‌ونقل و ترانزیت گفت: گروه بهمن طیف متنوعی از محصولات را روانه بازار کرده است و این شرکت از دو چرخ تا ۱۸ چرخ را تولید می‌کند. علیمرادلو اظهار کرد: محصولات ما با بالاترین کیفیت عرضه می‌شوند و به همین منظور تقاضا برای محصولات گروه بهمن زیاد است. مدیرعامل گروه بهمن با تأکید بر اینکه امید داریم بتوانیم بزرگ‌ترین تجاری‌ساز شویم،

اظهار کرد: اکنون در بخش تجاری بیشترین سهم به گروه بهمن تعلق دارد و در بخش مینی‌بوس درصد خوبی را در اختیار داریم و تنوع گشنده‌هایی که در نمایشگاه در معرض نمایش قرار داده‌ایم، بیانگر آن است که در سال گذشته سرمایه‌گذاری بزرگی صورت گرفته است. علیمرادلو با بیان آنکه امیدواریم اتوبوس شهری اسنا در خیابان‌های اصفهان دیده شود، تصریح کرد: مدعی هستیم از نظر کیفیت بهترین اتوبوس را در بازار عرضه کرده‌ایم. توجه به کرامت مشتری به‌عنوان بالاترین ارزش در گروه بهمن نکته‌ای بود که علیمرادلو به آن اشاره و بیان کرد: از سال گذشته واحدی به نام رضایت و خشنودی مشتریان ایجاد و سعی کردیم با بررسی رویکرد تمام خودروسازان دنیا بهترین‌ها را بیابوریم؛ به‌همین‌دلیل برای رضایت مشتری حساسیت بالایی داریم.

حفظ ارزندگی محصول اولویت بهمن است

علیمرادلو همچنین با تأکید بر اینکه با داخلی‌سازی قطعات در تمام محصولات سعی می‌کنیم تا جایی که کیفیت دچار خدشه نشود، داخلی‌سازی کنیم. تصریح کرد: حفظ ارزندگی محصول هدف گروه بهمن است؛ یعنی مصرف‌کننده از خرید محصول رضایت داشته باشد. در جایی که تیراز کافی باشد، به دنبال ساخت داخل هستیم و در جایی که وابستگی ما را کم‌کند، باز سراغ ساخت داخل می‌رویم. شاسی‌های خودروها را خودمان تولید می‌کنیم. مدیرعامل گروه بهمن با تأکید بر اینکه روش قیمت‌گذاری محصولات براساس روش قیمت‌گذاری ستاد کنترل بازار و سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان است که براساس قانون اعمال می‌شود، تصریح کرد: اگر در صورت‌های مالی گروه بهمن سود خوبی حاصل می‌شود، موهون زحمت‌اشیانه‌وزری نیروی انسانی است. افزایش قیمت خودروی بهمن را با خودروهای مشابه و لوازم خانگی مقایسه و تفاوت بازار با قیمت

اموال کمون و جوامع بعدی» و سرانجام خراج‌گیری بوده، اما آنها با پدیده‌های مولود جوامع ماقبل سرمایه‌داری و با حسابداری دوطرفه و اخیرا سه‌طرفه تفاوت‌های خاص ساختاری دارند. اگر قبول کنیم حرفه حسابداری مولود سال‌های ۱۳۰۰ به بعد بوده، بررسی‌های مستند نشان می‌دهد حرفه مستقل حسابرسی به معنای واقعی آن، با تشکیل کانون حسابداری رسمی ایران در سال ۱۳۵۱ تحقق یافته که در سال‌های ۱۳۵۹ با اصلاح ماده «۱۲» لایحه قانونی اصلاح برخی مواد قانون مالیات‌های مستقیم عاמדانه کانون حسابداران رسمی ایران به دست ناآگاهان منحل اعلام شد. بررسی مفاد اساسنامه‌ای و آیین‌نامه‌های مرتبط نشان می‌دهد کانون حسابداران رسمی صرفا نهادهی نظارتی و فاقد شاکله نهاد حرفه‌ای بوده است. برای توجه علاقه‌مندان یادآور می‌شود که ترکیب شورای عالی کانون حسابداران رسمی شامل عالی‌ترین مقامات قضائی- نظارتی کشور نظیر دادستان کل، وزیر دادگستری، رئیس کل بانک مرکزی و... بوده و نظارت مالیاتی آن نیز بر عهده وزارت دارایی وقت بوده است. با این توصیف مشخص می‌شود چون نظام اقتصادی کشور در آن موقع هم نوعی «سرمایه‌داری دولتی هدایت‌شده» بوده، حاضر نبوده نظارت بر حرفه حسابرسی را در قالب خودانتظامی بپذیرد. بنابراین از همان ابتدای تأسیس حسابه حرفه‌ای حسابرس در ایران، این حرفه خودانتظام نبوده است. با توجه به پایان جنگ تحمیلی و الزامات بین‌المللی ناچار به تحمیل حسابرسی بخش خصوصی در قالب تصویب قانون «ماده‌واحد استفاده از خدمات حسابداران ذی‌صلاح به‌عنوان حسابدار رسمی» در سال ۱۳۷۲ شد. اما مجددا هم در قانون ماده‌واحد و هم در اساسنامه جامعه حسابداران رسمی مصوب هیئت وزیران، در بند بند مواد اساسنامه، جای پای دولت و نظارت دولت هویداست. لذا بر همان قیاس قبلی جامعه حسابداران رسمی ایران هیچ‌کام یک نهاد حرفه‌ای نبوده، بلکه نظارتی بوده که عملکرد و فراز و فرود ۲۰ سال گذشته آن همچون بسیاری نهادهای نظارتی دولتی، کمابیش و از جهاتی هم بهتر بوده است.

واقعیت آن است که شاکله دولت‌های مدرن در فرمول «دولت- ملت» یعنی نظارت ملت بر دولت از طریق نمایندگان ملت در قوه مقننه است؛ بنابراین اگر قرار بود نهاد ناظری برای حرفه تعیین شود که بتواند اعمال قدرت نظارت مردم «حسابرسان چشم‌بیدار ملت در نظارت مالی کشور هستند» را جامه عمل بپوشاند، باید به نحوی حضور نمایندگان ارکان نظارتی کشور در اساسنامه جامعه محقق می‌شد که این نقیصه از همان ابتدای تأسیس جامعه حسابداران رسمی، مورد توجه حسابدارانی که معتقد به مسئولیت‌های اجتماعی در فرایند مسئولیت حرفه‌ای بودند، قرار داشت و موضوع ترکیب اعضای شورای‌عالی جامعه حسابداران رسمی از مقامات نظارتی- قضائی دارای شایستگی نخستین بار از سوی نگارنده در یکی از همایش‌های حرفه‌ای مطرح شد؟! افشای چندین فساد مالی- اقتصادی در کشور به‌ویژه در سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۷۲ که اساسا جامعه حسابداران رسمی وجود نداشته، آن‌قدر بی‌پایه است که به آن پرداخته نمی‌شود؛ بنابراین اگر نمایندگان محترم مجلس نگران فساد در شرکت‌های دولتی به دلیل حسابداران رسمی بخش خصوصی هستند (که این هم جای مناقشه دارد؛ چون شرکت‌های صدرصد دولتی از سوی سازمان حسابرسی منصوب دولت حسابرسی می‌شوند)، می‌توانستند با تدقیق در اساسنامه کانون حسابداران رسمی قبل از انقلاب و اساسنامه فعلی جامعه حسابداران بدون تغییرات دامنه‌داری که اعمال آن در شرایط ناسامان اقتصادی مانند عمل جراحی در تن عفونت‌زده بیمار است، با حداقل تغییرات حداکثر نظارت را به عمل آورد. خلاصه کلام؛ درحال‌حاضر سه دیدگاه کلی درمورد نهاد ناظر حرفه حسابرسی مطرح است؛ دیدگاه نخست اعتقاد دارد که با توجه به تجارت کشورهای پیشرفته (که سازوکار اقتصاد آنها هیچ‌گونه قربانی با سازوکار متروپولی اقتصاد ایران ندارد) یک تشکیلات عربض و طوبیلی به نام نهاد ناظر بر حرفه حسابرسی در قالب طرح نظام جامع حسابداری کشور که از سوی عده‌ای از نمایندگان مجلس به زعامت آقای دکتر پورابراهیمی ارائه شده با لایحه سازمان مقررات و نظارت بر حسابرسی که از سوی هیئت دولت ارائه شده، تأسیس و جامعه حسابداران رسمی احتمالا به یک نهاد حرفه‌ای تغییر یابد و همه امور از تدوین استانداردهای حسابداری

و حسابرسی تا نظارت و تعیین حق‌الزحمه حسابرسی به دست توانای این نهاد صورت گیرد. فارغ از محدودیت‌های ذاتی که در این طرح و لایحه وجود دارد، نگرانی اساسی این است که متولیان این نهاد قرار است بیش از ۵۵ سال سن نداشته باشند که احتمالا اگر مقرر باشد براساس شایسته‌سالاری این عناصر یافت شوند، شاید ناچار شویم در این زمینه به واردات اشخاص واجد شرایط ناچ بیم؛ چون درحال‌حاضر چنین کسانی به‌ندرت در کشور یافت می‌شوند که به این سن‌وسال و دارای ویژگی‌های اعلام‌شده طرح و لایحه باشیم؛ مگر آنکه مقرر باشد در این نهاد هم از دانشگاه تأمین نیروی انسانی دولت استفاده کنیم!؟

دیدگاه دوم که مارگزیده‌ها هستند، رسما کاستی‌های اساسنامه‌ای جامعه حسابداران را خودشان جمع‌بندی و اعلام عمومی هم کرده‌اند؛ پس اعتقاد دارند به جای روی‌آوری به گزینه «آزمون و خطا» به اصلاح اساسنامه فعلی جامعه و اعمال تغییرات منطقی مدنظر نمایندگان مجلس و دولت بپردازیم.

دراین‌میان دیدگاه سومی هم چند مدتی است معتقد است که اساسا دغدغه و نگرانی نمایندگان مجلس موضوع نظارت مالی مجلس بر بودجه و عملکرد مالی دولت بوده که از مشروطیت تاکنون با وجود صراحت در متمم قانون اساسی مشروطیت و قانون اساسی جمهوری اسلامی به‌ویژه در قانون دیوان محاسبات عمومی مسکوت باقی مانده است. این دیدگاه سوم بر این باور است که در دوران پهلوی هم عاמדانه دیوان محاسبات عمومی را از بنیاد مولود آن یعنی مجلس جدا و زیر نظر و نظارت امور اقتصادی و دارایی قرار دادند تا مجلس نتواند بر عملیات مالی دولت نظارت کند. اگر چه بعد از انقلاب دیوان محاسبات عمومی به‌درستی زیر نظر مجلس قرار گرفته؛ اما دولت آن دوران عاמדانه دست به تأسیس و تشکیل سازمان حسابرسی زده تا خود را از قید نظارت مجلس رها کند. این دیدگاه که مبتنی بر مطالعه تاریخی نقش حرفه حسابرسی و تغییرات قانون دیوان محاسبات و مستندات بسیاری در سایر جوامع است، اعتقاد دارد نمایندگان مجلس بیراهه رفته‌اند؛ زیرا با تشکیل نهاد ناظر هم حسابرسی شرکت‌های دولتی (و به‌تازگی هم زیرمجموعه‌های آنها) عمدتا در اختیار سازمان حسابرسی منصوب دولت و زیرمجموعه قوه مجریه قرار می‌گیرد.

باید تأکید کرد که در هیچ کجای دنیا حسابرسی دولت و شرکت‌های دولتی از سوی خود دولت انجام نمی‌شود و حسابرسی دولت و اجزای دولت «شرکت‌ها و مؤسسات دولتی» زیر نظر قوه مقننه از سوی نهادهی به نام «دیوان محاسبات عمومی» یا «سازمان پاسخ‌گویی عمومی»، «حسابرس کل» انجام می‌شود که مستقل از دولت هستند.پس پیشنهاد مدعبان دیدگاه سوم اصلاح قانون محاسبات عمومی و الحاق سازمان حسابرسی به دیوان محاسبات به‌عنوان «دایره ویژه حسابرسی شرکت‌های دولتی» فارغ از دولت است. مستندات این دیدگاه که به‌شدت از طرف بخش دولتی حسابرسی مورد انتقاد قرار دارد، بر الزامات نهادهی نظارت بر عملکرد مالی دولت در اتحادیه اروپا و اروپای شمالی قرار دارد که پاک‌ترین دولت‌های جهان در این مناطق استقرار دارند.

زیرا چنانچه دیوان محاسبات عمومی بخواهد مانند مؤسسات مشابه خود در سایر کشورهای پیشرفته که مدت‌هاست نام آنها به «سازمان پاسخ‌گویی عمومی» تغییر کرده، نقش «چشم ناظر ملت» باشد، باید بر توانایی‌های حسابرسی خود بیفزاید که این توانایی درحال‌حاضر در سازمان حسابرسی وجود دارد و می‌تواند با الحاق به دیوان محاسبات عمومی نقش مناسب بازدارنده فساد و تقلب را ایفا کند. بدون شک در صورت الحاق و ادغام این دو سازمان عملا موازی که در دو مسیر متفاوت قرار دارند، اولا مسیر حسابرسی شرکت‌ها و مؤسسات و وزارتخانه‌های دولتی یگانه و آن‌گاه مشخص خواهد شد چه کسانی سفره معیشت مردم را از طریق دوزدن قانون یا بی‌قانونی به یغما برده‌اند. در واقع در این گزینه دیوان محاسبات عمومی قادر خواهد بود با حسابرسی ضمن خرج و بعد خرج موتور فساد را از کار ببندد؛ زیرا در‌حال‌حاضر شاکله دیوان محاسبات دارای توانمندی ایفای چنین نقشی نیست.

نگارنده براساس اعتقادات اجتماعی خود هیچ‌گاه «با دست مرئی بازار و نظارت خودخواسته» هیچ حرفه‌ای موافق نبوده است، اما سازوکار نظارت در بخش حرفه‌ای مشابه نظارت در بخش اصناف نیست و ناظر باید دارای حداقل ویژگی‌ها و شایستگی‌هایی برای نظارت بر حرفه باشد و این موضوع نگرانی اساسی نگارنده و کسانی است که با او هم‌عقیده هستند؛ بنابراین از وجود نهاد ناظر به ترتیب اولویت «تغییر در اساسنامه جامعه یا اصلاحات منطقی در طرح جامع حسابداری» با در نظر گرفتن پیشنهادهای عقلایی اجرای جامعه حسابداران رسمی استقبال هم خواهیم کرد.

فاعتبروا یا اولی الابصار.

ادامه از صفحه اول

داستان سیل و سیاست‌های جاری

البته نه به این معنی که حتما و لزوما وقایع آن زیرساخت، حوادث را بر هر شدتی تحمل کند؛ اما انتظار می‌رود که زیرساخت‌ها حداقل در حوادثی با شدت متوسط آسیب‌پذیری مختصر داشته باشند و در حوادثی که بارگذاری و شدت بیشتر دارند، با تخریب کلی مواجه نشوند. گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد تاب‌آوری زیرساخت‌های کشور در برابر سیلاب‌ها مطلوب نبوده است. این در حالی است که برای تمام موارد طراحی و ساخت پل‌ها، جاده‌ها، تأسیسات آبی، خطوط راه‌آهن، تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و سایر موارد استانداردهای لازم طراحی شده. حتی برای تک‌تک این موارد آیین‌نامه‌هایی تدوین شده است؛ اما نکته مهم و اصلی الزام‌آوردن‌بودن اجرای این استانداردهاست. آن‌طور که در هیئت ویژه گزارش ملی سیلاب‌ها گفته شده، بیشتر طراحان خود را موظف به رعایت این استانداردها و آیین‌نامه‌ها نمی‌دانند.اما علت مهم‌تری برای ناکامی مقابل مهار سیلاب‌ها می‌توان در نظر گرفت. مهم‌ترین‌شان فساد و ناکارآمدی مدیریت در کشور و بی‌توجهی گسترده و طولانی به محیط زیست است. موضوعی که وضعیت کشور در مواجهه با سیلاب‌ها را به اینجا کشانده و هر سال هزارهای میلیاردری و مرگ‌ومیر هم‌وطن‌مان را شاهد هستیم.همه ما در سال‌های گذشته، مصداق‌های فراوانی را شاهد بوده‌ایم. از به‌کارگیری افرادی که ناگهان بدون دانش مدیریتی لازم و بدون سابقه و تحصیلات مناسب در سطوحی قرار گرفته‌اند که باید تصمیم‌های مهم و تأثیرگذار بگیرند. کسانی که تصمیم‌های غیرعلمی‌شان می‌تواند عواقب نامطلوبی برای یک کشور داشته باشد. همین می‌شود که دچار ناکارآمدی و سوءمدیریت هستیم. چنین مسئولانی به جای تصمیم‌های درست و کارشناسی پیش و پس از وقوع سیل، با کفش و گاهی تا کمر وارد آب می‌شوند که نمایش راه بیندازند و ناکارآمدی‌های خودشان را جبران کنند.در همین موضوع سیلاب‌ها و مدیریت کشور، رسیدگی به زیرساخت‌های تاب‌آور در مقابل سلاب نیازمند همکاری کارشناسان باتجربه داخلی و خارجی در تخصص‌های مختلف است. این موضوع در طراحی زیرساخت‌های اساسی حائز اهمیت است. حال در نظر بگیرید تحریم و کوچک‌شدن طرح‌های عمرانی باعث شده سازمان‌ها و نهاده‌ا به‌تدریج نیروهای مجرب و مشاوران متخصص تمام وقت خود را از دست بدهند. از سوی دیگر در همه این سال‌ها شاهد مداخلات کارفرما و نیروهای سیاسی و اجتماعی خارج از سیستم در روند اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها برای عدول از ضوابط و معیارهای فنی به منظور دستیابی به پروژه‌های ارز‌زانی تا اتمام سریع‌تر بوده‌ایم. موضوعی که در گزارش‌های رسمی بر آن تأکید شده است.نا‌توانی در جلوگیری از فساد خود مبحث دیگری است که به نظر می‌رسد همچنان در این حوزه نتوانیم کاری از پیش ببریم. اضافه کنید به این موضوع زمین‌خواری و جلوگیری از تجاوز به حریم رودخانه‌ها، نبود دانش مدیریتی در نهاده‌ا و ارتباط بسته ایران با جهان. به نظر می‌رسد راه اصلاح هر مسئله و بحرانی در کشور از تغییر در سیاست‌های کشور می‌گذرد. روند تغییرات ارزشی، سیاست را از عرصه آرمانی به سمت سیاست کسب منافع فردی یا خاص گروهی سوق داده است و از سوی دیگر، خصلت انتزاعی شعارها و کلی‌بودن آنها، برنامه و هدف مشخصی را پیش‌روی سیاست‌وزران نمی‌گذارد.تغییر سیاست‌ها می‌تواند درعین‌حال به ارتباط بیشتر و بهتر با جهان منجر شود. فضای باز اجتماعی و اقتصادی می‌تواند شفافیت ایجاد کند، امیدواری به وجود بیابورد، عرصه مدیریت کشور را از سلیقه‌ها و ارتباطات خاص و فامیلی خارج کرده و به سمت شایسته‌سالاری پیش ببرد. تغییر لازمه هر چیزی است و هر چقدر دیرتر این کار انجام شود، ضربه واقعیت محکم‌تر خواهد بود. داستان سیلاب در کشور، داستان سوءمدیریت‌ها و بی‌توجهی‌هاست. داستان سیاست‌های بسته است که جایی برای حضور شایستگان باقی نمی‌گذارد.

پاسخ به یک یادداشت

شروع اجرای طرح فیبر نوری منازل و کسب‌وکارها که سرعت و پایداری اینترنت را تا چندده برابر افزایش خواهد داد، خریداری پهنای باند مورد نیاز کشور و توسعه سریع شبکه نسل پنجم موبایل، تنها برخی از اقدامات در حال اجرا برای فراهم‌آوردن شبکه‌ای باکیفیت و پرسرعت و البته پایدار است. البته ناگفته نماند که آماده‌سازی چنین زیرساخت‌هایی با وسعت کشور ایران و برخی عقب‌ماندگی‌های تاریخی مانند کیفیت پایین اینترنت ثابت، یک شبه انجام‌پذیر نیست و نیاز به فرایندی تدریجی دارد که البته نمرأتش قبل از پایان همین دولت به فضل الهی ملموس خواهد بود و شعار وزارتخانه در دوره جدید یعنی «طعم شیرین فناوری» خود گویای جهت‌گیری این وزارتخانه برای بهره‌گیری حداکثری از فناوری ارتباطات و اطلاعات برای خدمت‌رسانی به مردم عزیز کشورمان است.آیا بهتر نیست با تهیه گزارش و تحقیق از پیشرفت این پروژه‌ها، تصویر دقیق‌تر و منصفانه‌تری از عملکرد و زحمات همکاران ما در وزارت ارتباطات، اپراتورهای ثابت و همراه و شرکت‌های بخش خصوصی حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات پیش‌روی مخاطبان محترم شما قرار گیرد؟بر این اساس، اغلب تحلیل‌های متن فوق و مطالب مشابه اگر مغرضانه نباشد قطعا از روی بی‌اطلاعی است که منجر به انتشار مطالب خلاف واقعیت و ترویج اتهام‌زنی به جای حقایق طلبی در جامعه می‌شود. آیا شایسته نیست قبل از انتشار مجولانه هر نوع مطلبی، دلایل فنی و توجیهی آن از نهاد مسئولش ازجمله همکاران این وزارتخانه و همچنین کارشناسان متعهد و متخصص اکوسیستم فناوری اطلاعات فرس‌ود و پرس‌وجو شود؟بدین‌وسيله از شما انتظار است و خواهشمندیم که از این پاسخ را عینا در آن روزنامه درج فرمایید و از این پس قبل از انتشار مطالب و تحلیل‌های نامطمئن و احیانا آمیخته با ادعاهای بی‌اساس، از مسئولین مربوطه و کارشناسان متخصص صحت مطالب را جویا شده و پس از آگاهی از ظرایف موضوعات با رعایت انصاف اطلاع‌رسانی کنید. به امید اینکه طعم فناوری همراه با آگاهی ناشی از فعالیت مسئولانه رسانه‌های حرفه‌ای کشور در کام مردم عزیزمان شیرین‌تر شود.

مصطفی اشرف، سرپرست روابط عمومی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات

ادامه از صفحه اول

موضوعات اساسی و اولویت‌های کشور و پرداختن به موضوعات دیگر همان چیزی است که باعث می‌شود مردم احساس بی‌پناهی کنند.از همه دلسوزان و علاقه‌مندان به جمهوری اسلامی می‌خواهم تذکر می‌دهم که نگذارند عده‌ای اندک و تندرزو زمینه تبدیل شهروندان به رعایا در فراهم کردن خدمت لازم است سخنان مهم رهبر معظم انقلاب در جمع امامان جمعه کشور نصب‌العین همه مقامات و مسئولان باشد. از مردم هم می‌خواهم هرجا برخلاف این توصیه‌ها عمل کردیم بدون اغماض و ترس و لگنت تذکر جدی بدهند.امام جمعه شهر امید در پایان خطبه‌های نماز، با اشاره به آغاز ماه محرم و لزوم یادآوری همیشگی هدف اصلی و پیام قیام عاشورا گفت: عزاداری برای امام حسین (ع) یعنی اول پیرو آزادگی بودن، عزادار سرور آزادگان جهان بودن یعنی برای زنده‌ماندن و زندگی این دنیا، تن به هر دلت ندادن، و در آخر مراقبت کنیم ایام محرم به زمینه همدلی و وحدت تبدیل شود.از خاوند بزرگ توفیقمان در خدمتگزاری به این مردم صبور و نجیب و همچنین خدمتگزاری واقعی به آزادی، حقیقت و عدالت را خواستارم. خودم و شما را به مدارا، رجم و مروت و انصاف با یکدیگر توصیه می‌کنم.

در اوج جنگ و تلاش برای برپایی جنگ داخلی جهت سرنگونی حاکمیت جدید انجامید.پذیرش این دروغ، باقی مسیر را برای رسیدن به مقصود نویسنده، هموار می‌کند، چراکه وقتی فردی خود را صاحب دانش و فهمم در موضوعی بداند و دروغ را هم بپذیرد، کمترین حس علاقه یا نفرت به موضوع، او را به خانه مقصود نویسنده خواهد رساند و چه بهتر از اینکه با وجود ایجاد پنج میلیون شغل در زمان استقرار اصلاح‌طلبان در قوه مجریه و یک‌رقمی‌کردن تورم، مسئولان همه نایسامانی‌های ۱۷ سال پس از رفتن اصلاح‌طلبان از قدرت را هم آنان بدانیم، چراکه قبالا با مطالبی از جنس همین مطلب، خواننده به نتیجه رسیده که قضاوت درباره اصلاح‌طلبان را نه براساس عملکرد آنها در زمان تصدی قوه مجریه، که براساس عملکرد مخالفان اصلاحات مستقر در حکومت انجام دهد. البته بعید است اکثریت آنها طلبی از قبل و براساس عملکرد مخالفان اصلاحات داوری‌شان را درباره اصلاح‌طلبان انجام داده‌اند. این مطلب را بخوانند یا اگر خواننده به این نتیجه برسند که لازم است اصلاح‌طلبان را براساس عملکرد هشت‌ساله‌شان در قوه مجریه داوری کنند، ولی شاید، فقط شاید این متن، تعداد اندکی را به این نتیجه برساند که مانند آن مال‌باخته (که دیگر ممکن نیست به این راحتی کسی بتواند جیبش را خالی کند)، کمی در باورکردن مطالبی که با حب و بغض همراه است دقت کنند و گمان نبرند که همه چیز را می‌دانند.

مراقبت کنیم محرم زمینه همدلی شود

تصور می‌کردیم در این شرایط که بار اصلی تحمل سختی‌های اقتصادی بر دوش مردم است، فضای کشور حداقل آرام و بی‌خاشیبه و بدون التهاب خواهد بود. آقای رئیس‌جمهور ضمن اینکه حضور همیشگی‌تان در میان مردم قابل تقدیر است، به‌عنوان یکی از همین مردم و دوستداران عرض می‌کنم این در میان مردم بودنتان باید به درد مردم بخورد. لطفا همچنان‌که یک بار عمل کردید رودریاستی را اکابر بگذارید، از وزرا و نیروهای کاربلد و دلسوز استفاده کنید. دوره مسئولیت زود می‌گذرد و اگر دیر شود، جبران خسارت سخت خواهد بود.جست‌وای منصفانه متصرف پس از پایان این سخنان گفت: از بیان مؤدبانه و دلسوزانه دغدغه‌های برادر عزیزم سپاسگزارم.امیدوارم مسئولان محترم توجه کنند، اینکه بین دغدغه‌ها و مشکلات مردم و ذهنیت مسئولان از یک طرف و از طرف دیگر بین حرف و عمل مسئولان فاصله بیفتد، همان نکته‌ای است که رهبر معظم انقلاب هم تذکر دادند و باید چاره‌اندیشی جدی کرد. بی‌توجهی بنده و امثال بنده به

این هم یک‌جور کلاهبرداری است

نمونه‌ای را مثال می‌زنم که در همین‌آرام در فضای مجازی بازنشر شده و این بازنشرشدن نشان می‌دهد که موافقانی دارد. محتوای این نمونه اخیر چنین است که «چریک‌های ده دهه ۵۰ علیه حکومت شاه دست به اسلحه بردند و می‌خواستند ایران کوبا شود. همان‌هایی هستند که از حاکمیت جمهوری اسلامی حمایت کردند و در نهایت اصلاح‌طلب شدند». آنچه خواننده ممکن است متوجه شود این است که این گزاره بر یک دروغ بنا شده و به احتمال زیاد نویسنده به آن سه شرط پیش‌گفته برای باورپذیرشدن متن خود امیدوار بوده، یعنی ابتدا شک نداشته که بسیاری از افراد به دانش و فهم خود چنان مطمئن‌اند که نیازی نمی‌بینند واقعیت موضوع را از کسانی که تاریخ معاصر را می‌دانند پرسش کنند یا آن‌قدر بی‌حوصله‌اند که لازم نمی‌بینند حتی به جست‌وجویی ۱۰ دقیقه‌ای در اینترنت بپردازند تا ببینند این گروه‌های چریکی، چه کسانی بودند و در مقابل جمهوری اسلامی چه موضعی داشتند که اگر این ۱۰ دقیقه را صرف می‌کردند، می‌دیدند که دو گروه اصلی چریکی دوران حکومت پیشین، از اولین مخالفان پس از انقلاب جمهوری اسلامی بودند که این مخالفت در یکی به تشعب و در دیگری که بسیار بزرگ‌تر بود، در دهه ۶۰ به انتخاب ششی مسلحانه